

دکتر محمد سعید رمضان البوطی، احساسات بی‌شائبه خود نسبت به شهید دکتر شقایق را در قالب کلماتی هر چند کوتاه، چنان زیبا بیان کرده است که هر روز از زندگی این شهید را حلقه‌ای از شجاعت و قهرمانی می‌داند که نور و روشنی را برای جوانان فلسطینی به ارمغان آورد تا به آنان بیاموزد که آنجا که جان انسان می‌تواند بهای ادب کردن گردنکشان باشد، چه زیبا می‌توان با جهاد و شهادت باب بهشت را گشود.

دکتر محمد سعید رمضان البوطی
اندیشمند اسلامی و استاد دانشگاه سوریه



شقایق ... شهادت ...



اورا از اصرار و استغراق دائمی‌اش در جهاد و مبارزه شناختم... از جامهای لبریزش از شراب شیرین شهادت، از پیروزی انسانیتش که گرگ‌ها پاره پاره‌اش کرده‌اند!... شناختم. او را در حالی که نقاب‌های خباثت و دروغ را بر چهره دشمن خبیث پاره کرد. دشمنی که در نهان اسیر و عاشق تمام عیار ترور و قتل است و در ظاهر به تکلف آن را محکوم می‌نماید.

روزهای زندگی‌اش حلقه‌های شجاعت و قهرمانی بود که به جهاد جوانانی که برگرد او بودند، نور و روشنی می‌داد و با جهاد و شهادت باب بهشت را می‌گشودند. او به مردانش، به رزمندگان، از آبشخور یقین‌راسخش آموخت که شهادت در راه خدا بالاترین لذتی است که کام انسانیت انسان را شیرین می‌کند، و طرب‌انگیزترین نشئه‌ای که سرها را در خود می‌گیرد. ولی این لذت‌ها پیچیده‌در پوششی از اوهام درد و رنج و شکافتن و پیشرفتن در دل خطرات است. و به دشمنانش، دشمنان حقیقت و انسانیت فهمانید که واصلان مقام یقین به «احدی الحسنین» (پیروزی با شهادت) تهدیدات همه دنیا را به هیچ گرفته‌اند. آخر این تهدیدات در برابر سلطه و حکومت مطلق خدای متعال چه معنی دارد؟ او که می‌فرماید:

"اقض ما انت قاض، انما تقضی هذه الحیة الدنیا" (یاران موسی به فرعون گفتند: هر چه می‌خواهی بکن، جز این نیست که فقط در این عمر کوتاه در دنیا حکومت داری و ...)

شقایق یارانش را به این حقیقت رسانید که زندگی شخصی دنیا پیشیزی ارزش ندارد به ویژه اگر بهای ادب کردن

نیاموخت، بلکه آنها را در میدان نبرد تدریس کرد و قلعه درس‌های شقایق شهادت او بود که خود او طعم شیرینش را می‌دانست و بی‌صبرانه در انتظارش بود. آیا زمان آن نرسیده است که هموطنان فتحی و سازشکاران تفاوت بسیار میان صعود به قله‌های عظمت و کرامت انسانی و سقوط به قعر باتلاق خواری و ذلت را بفهمند؟! و آیا زمان آن نرسیده است که بدانند صلح با اسرائیل جز ورود به جهنم اسرائیل و تسلیم شدن در برابر طرح‌های پلید توسعه‌طلبانه‌اش چیز دیگری نیست؟! درد و مصیبت بزرگ این است که این حقیقت بر همگان آشکار است، اما گلوها چنان گرفته که نمی‌توانند آن را به زبان آورند. ■

گردن‌کشان و قطع دستان پلید بازیگران با انسانیت انسان و متجاوزین به حقوق انسانی باشد. شقایق را شنیدم، که پس از یک عملیات شهادت طلبانه که دل‌های سیاه سوداگران و سرکردگان تروریسم را به لرزه انداخت، می‌گفت: ما جز در سرزمین غصب شده و در سایه حقوق سلب شده هموطنانمان دست به عملیات انتقامی نمی‌زنیم، اما صهیونیست‌ها، این متولیان تروریسم و جانین حرفه‌ای، مردم بی‌گناه را در اقصی نقاط دنیا در کنج خانه‌هایشان سر می‌برند و هر ساحل آرامی در سایه سار درخت صلح بیابند، آنجا را با جهنم وجود خود به آتش می‌کشند.

آری، فتحی شقایق این حقیقت‌ها را بر سر منبر و در سخنرانی و یا اظهارات مطبوعاتی به دوستان و دشمنانش

شیرین‌ترین شقایق



او به مردانش، به رزمندگان، از آبشخور یقین‌راسخش آموخت که شهادت در راه خدا بالاترین لذتی است که کام انسانیت انسان را شیرین می‌کند، و طرب‌انگیزترین نشئه‌ای که سرها را در خود می‌گیرد. ولی این لذت‌ها پیچیده‌در پوششی از اوهام درد و رنج و شکافتن و پیشرفتن در دل خطرات است.